

Analyzing the Causes of Problems

Rules

The term “**rules**” most often refers to law, rule, or social norm that affects a stakeholder (regulated person) and contributes to the problematic social behavior.

Some examples of ways in which the rules contribute to the problem are (1) laws that are vague or ambiguous, (2) laws that permit or require the problematic behavior, (3) laws that do not address the causes of the problematic behavior, (4) laws that do not provide for accountability in their implementation, and (5) laws that grant too much discretion in their implementation or that too greatly restrict discretion.

Opportunity and Capacity (or Ability)

The term “**opportunity**” refers to the *circumstances, occasion, chance, or probability* that a stakeholder has to engage in the problematic social behavior or to obey or disobey a law, rule, or social norm.

The term “**capacity**” refers to the *ability (or inability) or capability* that a stakeholder has to engage in the problematic social behavior or to obey a law, rule, or social norm. Capacity also includes any obstacles that may impede or prevent the stakeholder’s ability to engage in the problematic behavior or the inability to engage in desired behavior. (In practical terms, “capacity” often overlaps with “opportunity”.)

Communication

The term “**communication**” refers to the effectiveness with which a law, rule, or social norm is communicated to the stakeholders affected by the law, rule, or social norm. If people do not know what actions the law permits, requires, or prohibits, how can they possibly be expected to act in conformity with the law?

It also includes communication between implementing agencies (regulators) and stakeholders and among different implementing agencies.

تحلیل اسباب مشکلات

قواعد

اصطلاح "قواعد" معمولاً به قانون، اصل یا نورم اجتماعی نسبت داده میشود که بالای شخص ذینفع (شخصیکه مخاطب قانون است) تأثیر گذار بوده و در ظهور سلوک مشکل آفرین اجتماعی نقش میداشته باشد.

بعضی از امثال طریقه سهیم بودن این قواعد در ایجاد مشکل را منعکس میسازد، عبارت اند از (۱) قوانینی که دارای ابهام بوده و چند پهلو میباشند، (۲) قوانینی که سلوک مشکل آفرین را لازمی میسازد یا آنرا مجاز میداند، (۳) قوانینی که به حل اسباب و عوامل سلوک مشکل آفرین رسیدگی نمیکند، (۴) قوانینی که در رابطه به تطبیق آن به موضوع حسابدھی اهمیت داده نمیشود، و (۵) قوانینی که در ارتباط به تطبیق آن یا صلاحدید بیش از حد در نظر گرفته میشود و یا صلاحدید بیش از حد محدود ساخته میشود.

فرصت و ظرفیت (یا قابلیت)

اصطلاح "فرصت" عبارت است از حالت، موقع، چانس یا احتمال اینکه شخص ذینفع باید در سلوک مشکل آفرین اجتماعی دخیل باشد یا اینکه از قانون، قاعده یا نورم اجتماعی اطاعت کند و یا نکند.

اصطلاح "ظرفیت" عبارت است از قابلیت (یا عدم قابلیت) یا توانایی ای است که شخص ذینفع باید در سلوک مشکل آفرین اجتماعی دخیل باشد یا اینکه از قانون، قاعده یا نورم اجتماعی اطاعت کند. ظرفیت همچنان شامل هر گونه مانعی میشود که ممکن است سد راه یا باعث جلوگیری قابلیت شخص ذینفع در انجام سلوک مشکل آفرین یا عدم قابلیت وی در انجام سلوک مطلوب گردد. (عملاً، کلمه ی "ظرفیت" معمولاً با کلمه ی "فرصت" تداخل دارد.)

افهام و تفهیم

اصطلاح "افهام و تفهیم" عبارت از مؤثریتی است که ذریعه ی آن قانون، قاعده و یا نورم اجتماعی به اشخاص ذینفعی که مخاطب قانون، قاعده یا نورم اجتماعی هستند، افهام و تفهیم میشود. اگر مردم ندانند که قانون انجام کدام کار ها را مجاز، لازمی یا منع قرار داده است، چطور میتوان از آنها توقع داشت که در مطابقت با قانون رفتار نمایند؟

این موضوع شامل افهام و تفهیم بین ارگانهای تطبیق کننده (تنظیم کننده) و اشخاص ذینفع و میان ارگانهای مختلف تطبیق کننده نیز میگردد.

Analyzing the Causes of Problems

Interest and Incentive (or Disincentive)

The term “**interest**” refers to the *incentive or motivation* (both material and non-material) for a stakeholder to engage in the problematic social behavior. This is the stakeholder’s perception of the personal costs and benefits of complying with the law, rule, or social norm. Many types of personal incentives or motivations may constitute an interest that is sufficient to affect or contribute to the problematic social behavior. This factor also includes “disincentives” that discourage good behavior.

Processes and Procedures

The term “**process**” refers to *criteria and procedures* (or other pragmatic or logistical aspects) that (1) explain the decision-making process that leads a stakeholder to decide whether to conform or not to conform to a law, rule, or social norm, and (2) encourage or discourage the problematic social behavior by a stakeholder. This factor is particularly important in the case of an institution (such as a governmental agency, a corporation, or other complex organization), in which the decision-making process is not vested in a single individual.

Ideology

The term “**ideology**” refers to the *values and attitudes* that shape how we look at the world and therefore shape our decisions. Ideology also encompasses any subjective motivations that do not constitute “interests”. These are the backgrounds and personal values each person brings to any set of circumstances and affect how the person behaves in the face of those circumstances.

تحلیل اسباب مشکلات

منفعت ها و مشوق ها (و یا عوامل بازدارنده)

اصطلاح “**منفعت**” عبارت از مشوق یا انگیزه برای شخص ذینفع در دخیل شدن در سلوک مشکل آفرین اجتماعی میباشد (برابر است که این منفعت یا مصلحت مادی باشد یا غیر مادی). و این درک و احساس شخص ذینفع از مصارف و منافع در ارتباط به برآورده ساختن مقتضیات قانون، قاعده یا نورم اجتماعی را نشان میدهد. اقسام متعدد مشوق های شخصی میتواند منفعتی را بمیان بیاورد که کفایت بر سلوک مشکل آفرین اجتماعی تأثیر گذار یا در آن سهیم باشد. این فکتور شامل “عوامل بازدارنده یا منع کننده” نیز میشود که منجر به عدم انجام سلوک خوب میگردد.

پروسه ها و طرز العمل ها

اصطلاح “**پروسه**” عبارت از معیارها و طرز العمل ها (یا سایر جنبه های عملی و لوژستیکی) است که (۱) پروسه ی تصمیم گیری را تشریح نموده و باعث آن میشود که شخص ذینفع تصمیم بگیرد آیا از یک قانون، قاعده یا نورم اجتماعی پیروی کند یا خیر، و (۲) سلوک مشکل آفرین اجتماعی از طرف مرجع ذینفع را تشویق یا وی از انجام آن دلسرد میسازد. این فکتور بویژه در ارتباط به نهاد ها (مانند ارگان دولتی، شرکت سهامی و یا سایر سازمانهای مختلط) که در آن پروسه تصمیم گیری توسط یک فرد صورت نمی گیرد، از اهمیت زیادی برخوردار است.

طرز تفکر یا آیدیولوژی

اصطلاح “**آیدیولوژی**” عبارت از ارزشها و روش و رفتاری است که نحوه ی طرز دید ما به جهان را شکل داده و رویهم رفته تصامیم مارا نیز شکل میدهد. آیدیولوژی دربرگیرنده ی هر آن مشوق ذهنی ای است که تشکیل دهنده ی “منفعت ها” نیست. اینها خلفیه ها و ارزشهای شخصی هر شخص اند که وی را در شرایط مختلف قرار داده و در مقابل آن شرایط، نحوه برخورد وی را نیز تحت تأثیر قرار میدهد.